

## هنرمدرن؛ بررسی و تحلیل هنر معاصر جهان

\* مؤلف: مرتضی گودرزی (دیباچ)

\* ناشر: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی

\* سال نشر: ۱۳۸۱

\* نوبت چاپ: اول

\* محل نشر: تهران

### ۱. بررسی شکلی

کتاب شامل ده فصل است. فصل اول کتاب با دو زیر فصل، فاقد عنوان است و عناوین فصل دوم تا دهم کتاب به ترتیب چنین است: مدرنیته، تلاش برای تجلی، تکاپو—آزمایش، هیجان تجربه، تثبیت موقعیت، افسون نوآوری، وسوسه‌های نو، کوشش برای هماهنگی، دوگانگی و تجربیات و نگاه به گذشته. پیش از شروع فصول کتاب بخش‌های زیر در کتاب به چشم می‌خورد: فهرست مطالب، یک تصویر (یادداشت ریچارد آلن که البته در فهرست مطالب به آن اشاره نشده است)، یادداشت مؤلف و مقدمه. پایان بخش کتاب نیز واژه‌نامه و فهرست منابع است.

از نظر چگونگی نگارش، کتاب در مجموع از نثری استوار، محکم و روان و در عین حال، پرچاذبه برخوردار است. جملات کتاب، کوتاه بوده، لذا هر جمله به‌خوبی از عهده یک مفهوم مشخص برآمده است. شاید بتوان گفت که در متن کتاب هیچ موردی که نشانگر رعایت نشدن قواعد ویرایش و نگارش باشد به چشم نمی‌خورد. وجوه ظاهری کتاب مانند: حروف چینی، صفحه آرایی، صحافی و مانند آن، بسیار خوب است. البته اگر با توجه به محتوای هنری کتاب، تصاویر آن نیز رنگی می‌بود بر زیبایی کار افزوده می‌شد. کتاب جلدی گالینگور و بی طرح دارد؛ با وجود این، با ترکیب عنوان فارسی کتاب و ترجمه انگلیسی بخشی از آن، طرح‌های پدید آمده که به مدد رنگ طلایی حروف بر صفحه سبز پررنگ جلد، خالی از ذوق نیست.

تصویرهای فراوانی مربوط به نقاشی‌ها و مجسمه‌ها در کتاب وجود دارد که به فهم بیشتر موضوع کمک می‌کند.

حجم کتاب بالنسبه زیاد است، اما چون با رویکرد درسی نوشته نشده، قابل تدریس بودن آن در خلال یک نیم سال تحصیلی، نقصی برای آن به حساب نمی‌آید و قطعاً

دانشجویان رشته هنر، به‌ویژه رشته نقاشی، می‌توانند از آن بهره ببرند.

### ۱. بررسی محتوایی

این کتاب را می‌توان دارای نوآوری دانست؛ چه ارائه کتابی جامع و دایره‌المعارف گونه از نقاشی معاصر غرب، خود یک نوآوری است و می‌تواند برای خلق نمونه‌های مشابه در حوزه موسیقی، معماری، گرافیک، فیلم‌سازی و مانند آن، الگو قرار گیرد. نظم منطقی کتاب و انسجام مطالب آن هم، چه در سطح فصل‌ها و چه در سطح کل کتاب، چشمگیر و انکار ناپذیر است. اطلاعات کتاب روزآمد است و دامنه تاریخی نمونه‌های مورد بررسی از نقاشی معاصر و منابع مورد استناد تا سال‌های پایانی قرن بیستم را فرا می‌گیرد. مباحث پایانی کتاب که به بررسی نقادانه نقاشی در دوره پست مدرن اختصاص یافته و به قول مؤلف محترم، پیشروی‌های مرگ را بر آثار هنری (ص ۱۹) بررسی می‌کند، برای کسانی که نگاهی انتقادی به تمدن غرب دارند، بسیار سودمند و نکته آموز است. مؤلف محترم برای تبیین موضوعات به قدر کفایت از منابع موجود بهره جسته و در اکثر فصل‌ها به بهانه‌های مختلف، یکی دو منبع اصلی، هرچند غیر مستقیم، معرفی کرده است؛ اما برخلاف شیوه‌های متعارف تاریخ نگاری، همه مستندات و نقل قول‌های خود را با ذکر دقیق منبع و شماره صفحه کامل نکرده است، لذا حدود هفتاد درصد کتاب را مطالبی تشکیل می‌دهد که فاقد سند و ارجاع است، حتی نقل قول‌های مستقیم بدون ذکر سند هم در کتاب کم نیست، مانند نقل قول‌های مندرج در صفحات ۴۳۴، ۵۳۵، ۶۵۴ و...

تأملات زیر نیز درباره کتاب مطرح است و نباید از نظر دور بماند:

۱. محتوای کتاب با فهرست مطالب انطباق دارد، ولی با عنوان آن خیر؛ زیرا کتاب ویژه نقاشی و در مواردی محدود، مجسمه سازی است؛ اما عنوان کتاب ادعای پرداختن به هنر دارد و طبیعی است که هنر منحصر به نقاشی نیست. افزون بر این، کتاب تنها نقاشی اروپا و آمریکا و روسیه را بررسی کرده و هیچ اشاره‌ای به کشورهای شرقی و جهان سوم و ایران ندارد، حال آنکه ادعای عنوان کتاب، پرداختن به هنر معاصر جهان است. ظاهراً در ذهن مؤلف، جهان منحصر به اروپا و آمریکاست؛ زیرا در مقدمه درباره اینکه چرا روسیه را هم بررسی نکرده، توضیحاتی داده است که گویی جهان حتی شامل روسیه هم نمی‌شود. بر همین اساس، بی‌توجهی مطلق مؤلف به نقاشی ایران و تحول ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از کاستی‌های کتاب است. این سخن بدین معنا نیست که نقاشی معاصر

ایران می‌تواند به عنوان یک مکتب نقاشی در سطح جهانی مطرح شود، اما اختصاص چند صفحه از کتابی که از سوی حوزه هنری به چاپ رسیده است به بررسی وضعیت نقاشی معاصر ایران و تحولات آن در دهه‌های اخیر حتی با نگاهی انتقادی، توقعی معقول است. چنین بحثی حتی درباره کشورهای اسلامی و جهان سوم هم ضرورت دارد.

۲. آن گونه که از متن بر می‌آید، مؤلف بر روش‌ها و مکاتب نقاشی معاصر احاطه دارد، لذا کتاب سرشار از اصطلاحات تخصصی مربوط به این حوزه است که برای آشنایان به نقاشی معاصر سودمند است، اما برای ناآشنایان تا اندازه‌ای ابهام‌آفرین. مؤلف، البته، گرچه در مواردی، اصطلاحات تخصصی را معاون سازی کرده و در مواردی نیز به جای معادل سازی، آنها را توضیح داده است اما بسیاری از اصطلاحات تخصصی را معادل سازی نکرده است؛ مانند: پست پیکتورال، مینیمالیسم، کانسپچوال و مانند آن.

۳. کتاب به عنوان تألیف، نشر یافته است، ولی شواهدی مانند: ذکر معادل انگلیسی همه تیتروهای اصلی و فرعی کتاب، تعداد زیادی از نام‌ها و اصطلاحات مندرج در متن کتاب، وجود واژه‌نامه انگلیسی (با محوریت واژگان انگلیسی) در پایان کتاب و مقدمه ریچارد آلن و ستودن حساسیت و دقت نظر نویسنده نامدار این کتاب، چنین ابهامی در پی دارد که شاید کتاب ترجمه یک متن انگلیسی باشد.

۴. تصاویر متعدد کتاب شماره ندارد، لذا ارجاع دادن به آنها تا اندازه‌ای دشوار است. بهتر این است که در چاپ‌های بعدی کتاب، این کاستی برطرف شود و فهرستی از تصاویر هم در آغاز کتاب – آن چنان که متعارف است – آورده شود.

۵. بهتر آن است که ناشر در مقدمه‌ای مستقل، انگیزه اهتمام به چاپ این کتاب را بیان و اطلاعاتی درباره مؤلف محترم و شرح احوال و آثار او ارائه کند.

۶. کتاب فاقد نمایه بوده، در نتیجه بازیابی اطلاعات در آن بسیار دشوار است. سزاوار است این کاستی نیز در چاپ‌های بعدی کتاب برطرف شود.

۷. ارجاعات کتاب تا قبل از صفحه ۷۹ تنها با نام کتاب‌ها بدون ذکر شماره صفحه است و مطلب متن نشان می‌دهد که این ارجاع باید به صفحه یا صفحاتی خاص باشد، لذا کتاب از این نظر نیز نیازمند اصلاح است.

۸. کتاب در حال حاضر واژه‌نامه انگلیسی به فارسی دارد، اما به نظر می‌رسد نیاز به یک واژه‌نامه فارسی به انگلیسی برای خوانندگان فارسی بیشتر باشد. امید است در چاپ‌های بعدی کتاب، این واژه‌نامه نیز افزوده شود.

۹. در متن کتاب از هنرمندان و نقاشانی بسیار نام برده شده که اغلب خوانندگان فارسی زبان شرح حال آنها را نمی‌دانند. در صورت امکان نام این اشخاص همراه با فشرده‌ای از زندگی نامه آنها به ترتیب الفبایی به آخر کتاب افزوده شود.
۱۰. باتوجه به آنچه در بند اول آمد، بهتر و واقع بینانه‌تر آن است که نام کتاب از "هنر مدرن" به « بررسی و تحلیل هنر معاصر جهان » تغییر یابد و نامی دیگر برای آن برگزیده شود؛ مانند « بررسی و تحلیل نقاشی معاصر غرب ». در این تغییر عنوان، ضمن رعایت انطباق عنوان کتاب با محتوای آن، از کلمه غیر فارسی مدرن هم پرهیز شده است.

